

یسوع امام پلاطس و هیروُدس

¹ قَفَامَ كُلِّ جُمْهُورِهِمْ وَجَاءُوا بِهِ إِلَى بِيَلَاطُسَ. ² وَابْتَدَأُوا يَسْتَكُونُ عَلَيْهِ قَائِلِينَ: إِنَّا وَجَدْنَا هَذَا يُفْسِدُ الْأُمَّةَ وَيَمْنَعُ أَنْ تُعْطَى جَزِيَّةٌ لِقَيْصَرٍ قَائِلًا: إِنَّهُ هُوَ مَسِيحُ مَلِكٍ. ³ فَسَأَلَهُ بِيَلَاطُسُ قَائِلًا: أَنْتَ مَلِكُ الْيَهُودِ؟ فَأَجَابَهُ وَقَالَ: أَنْتَ تَقُولُ. ⁴ فَقَالَ بِيَلَاطُسُ لِرُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْجُمُوعِ: إِنِّي لَا أَجِدُ عَلَيْهِ فِي هَذَا الْإِسْمَانِ. ⁵ فَكَانُوا يُسَدِّدُونَ قَائِلِينَ: إِنَّهُ يُهَيِّجُ الشَّعْبَ وَهُوَ يَعْلَمُ فِي كُلِّ الْيَهُودِيَّةِ مُبَدَّنًا مِنَ الْجَلِيلِ إِلَى هُنَا. فَلَمَّا سَمِعَ بِيَلَاطُسُ ذِكْرَ الْجَلِيلِ سَأَلَ: هَلِ الرَّجُلُ جَلِيلِيٌّ؟ ⁷ وَحِينَ عَلِمَ أَنَّهُ مِنْ سُلْطَنَةِ هِيرُودُسَ أَرْسَلَهُ إِلَى هِيرُودُسَ إِذْ كَانَ هُوَ أَيْضًا تِلْكَ الْأَيَّامَ فِي أَوْرُشَلِيمَ.

⁸ وَأَمَّا هِيرُودُسُ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعَ قَرَحَ جِدًّا لِأَنَّهُ كَانَ يُرِيدُ مِنْ زَمَانٍ طَوِيلٍ أَنْ يَرَاهُ لِسَمَاعِهِ عَنْهُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ وَتَرَجَّى أَنْ يَرَاهُ يَصْنَعُ آيَةً. ⁹ وَسَأَلَهُ بِكَلَامٍ كَثِيرٍ فَلَمْ يُجِبْهُ بِشَيْءٍ. ¹⁰ وَوَقَفَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ يَسْتَكُونُ عَلَيْهِ يَاسْتَبِدِّدًا. ¹¹ فَاحْتَقَرَهُ هِيرُودُسُ مَعَ عَسْكَرِهِ وَاسْتَهْزَأَ بِهِ وَالتَّبَسَّهَ لِبَاسًا لَامِعًا وَرَدَّهُ إِلَى بِيَلَاطُسَ. ¹² فَصَارَ بِيَلَاطُسُ وَهِيرُودُسُ صَدِيقَيْنِ مَعَ بَعْضِهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لِأَنَّهُمَا كَانَا مِنْ قَبْلُ فِي عِدَاوَةٍ بَيْنَهُمَا.

بيلاطس يحكم على يسوع

¹³ فَدَعَا بِيَلَاطُسُ رُؤَسَاءَ الْكَهَنَةِ وَالْعُظَمَاءَ وَالشَّعْبَ ¹⁴ وَقَالَ لَهُمْ: قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ هَذَا الْإِنْسَانَ كَمَنْ يُفْسِدُ الشَّعْبَ، وَهَذَا أَنَا قَدْ فَحَصْتُ قُدَّامَكُمْ وَلَمْ أَجِدْ فِي هَذَا الْإِنْسَانِ عَلَيْهِ مِمَّا تَسْتَكُونُ بِهِ عَلَيْهِ. ¹⁵ وَلَا هِيرُودُسُ أَيْضًا، لِأَنِّي أَرْسَلْتُكُمْ إِلَيْهِ، وَهَذَا لَا شَيْءَ يَسْتَحِقُّ الْمَوْتَ صُنِعَ مِنْهُ. ¹⁶ فَأَنَا أُوَدِّعُهُ وَأُطْلِقُهُ. ¹⁷ وَكَانَ مُضْطَرًّا أَنْ يُطْلَقَ لَهُمْ كُلُّ عِيدٍ وَاجِدًا. ¹⁸ فَصَرَّخُوا بِجَمْلَتِهِمْ قَائِلِينَ: خُذْ هَذَا وَأُطْلِقْ لَنَا بَارْتَابَاسَ. ¹⁹ وَذَلِكَ كَانَ قَدْ طُرِحَ فِي السَّجْنِ لِأَجْلِ فِتْنَةٍ حَدَثَتْ فِي الْمَدِينَةِ وَقَتْلٍ. ²⁰ فَتَادَاهُمْ أَيْضًا بِيَلَاطُسَ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُطْلَقَ يَسُوعَ. ²¹ فَصَرَّخُوا قَائِلِينَ: اضْلِبْهُ، اضْلِبْهُ. ²² فَقَالَ لَهُمْ تَالِيَةً: فَإِنَّ تَبَرَّ عَمَلٍ هَذَا؟ إِنِّي لَمْ أَجِدْ فِيهِ عَلَيْهِ لِلْمَوْتَ، فَأَنَا أُوَدِّعُهُ وَأُطْلِقُهُ. ²³ فَكَانُوا يَلْجُونَ بِأَصْوَاتٍ عَظِيمَةٍ طَالِبِينَ أَنْ يُضْلَبَ. فَقَوَّتْ أَصْوَاتُهُمْ وَأَصْوَاتُ رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ. ²⁴ فَحَكَمَ بِيَلَاطُسُ أَنْ تَكُونَ طَلَبَتُهُمْ. ²⁵ فَاطْلَقَ لَهُمُ الَّذِي طُرِحَ فِي السَّجْنِ لِأَجْلِ فِتْنَةٍ وَقَتْلٍ، الَّذِي طَلَبُوهُ، وَأَسْلَمَ يَسُوعَ لِمَشِيئَتِهِمْ.

الطريق الى الصلب

عيسى در حضور پلاطس

¹ پس تمام جماعت ایشان برخاسته، او را نزد پلاطس بردند. ² و شکایت بر او آغاز نموده، گفتند: این شخص را یافته‌ایم که قوم را گمراه می‌کند و از جزیه دادن به قیصر منع می‌نماید و می‌گوید که خود مسیح و پادشاه است. ³ پس پلاطس از او پرسیده، گفت: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ او در جواب وی گفت: تو می‌گویی. ⁴ آنگاه پلاطس به رؤسای کهنه و جمیع قوم گفت که: در این شخص هیچ عیبی نمی‌یابم. ⁵ ایشان شدت نموده، گفتند: که قوم را می‌شوراند و در تمام یهودیه از جلیل گرفته تا به اینجا تعلیم می‌دهد.

عيسى در حضور هيروديس

⁶ چون پلاطس نام جلیل را شنید: پرسید که آیا این مرد جلیلی است؟ ⁷ و چون مطلع شد که از ولایت هیرودیس است او را نزد وی فرستاد، چونکه هیرودیس در آن ایام در اورشلیم بود.

⁸ اما هیرودیس چون عیسی را دید، بغایت شاد گردید زیرا که مدت مدیدی بود می‌خواست او را ببیند چونکه شهرت او را بسیار شنیده بود و مترصد می‌بود که معجزه‌های از او ببیند. ⁹ پس چیزهای بسیار از وی پرسید لیکن او به وی هیچ جواب نداد. ¹⁰ و رؤسای کهنه و کاتبان حاضر شده، به شدت تمام بر وی شکایت می‌نمودند. ¹¹ پس هیرودیس با لشکریان خود او را افتضاح نموده و استهزا کرده، لباس فاخر بر او پوشانید و نزد پلاطس او را باز فرستاد. ¹² و در همان روز پلاطس و هیرودیس با یکدیگر مصالحه کردند، زیرا قبل از آن در میانشان عداوتی بود.

حكم اعدام عيسى

¹³ پس پلاطس رؤسای کهنه و سرداران و قوم را خوانده، ¹⁴ به ایشان گفت: این مرد را نزد من آورید که قوم را می‌شوراند. الحال من او را در حضور شما امتحان کردم و از آنچه بر او ادعا می‌کنید اثری نیافتم. ¹⁵ و نه هیرودیس هم زیرا که شما را نزد او فرستادم و اینک، هیچ عمل مستوجب قتل از او صادر نشده است. ¹⁶ پس او را تنبیه نموده، رها خواهم کرد. ¹⁷ زیرا او را لازم بود که هر عیدی کسی را برای ایشان آزاد کند. ¹⁸ آنگاه همه فریاد کرده، گفتند: او را هلاک کن و بَرَاتَا را برای ما رها فرما. ¹⁹ و او شخصی

بود که به سبب شورش و قتل که در شهر واقع شده بود، در زندان افکنده شده بود.²⁰ باز پیلطس ندا کرده، خواست که عیسی را رها کند.²¹ لیکن ایشان فریاد زده گفتند: او را مصلوب کن، مصلوب کن.²² بار سوم به ایشان گفت، چرا؟ چه بدی کرده است؟ من در او هیچ عثت قتل نیافتم. پس او را تأذیب کرده رها می‌کنم.²³ اما ایشان به صداهای بلند مبالغه نموده، خواستند که مصلوب شود و آوازهای ایشان و رؤسای کهنه غالب آمد.²⁴ پس پیلطس فرمود که برحسب خواهش ایشان بشود.²⁵ و آن کس را که به سبب شورش و قتل در زندان حبس بود که خواستند، رها کرد و عیسی را به خواهش ایشان سپرد.

روی صلیب

²⁶ و چون او را می‌بردند، شمعون قیروانی را که از صحرا می‌آمد مجبور ساخته، صلیب را بر او گذاردند تا از عقب عیسی برود.²⁷ و گروهی بسیار از قوم و زانی که سینه می‌زدند و برای او ماتم می‌گرفتند، در عقب او افتادند.²⁸ آنگاه عیسی به سوی آن زنان روی گردانیده، گفت: ای دختران اورشلیم، برای من گریه نکنید، بلکه بجهت خود و اولاد خود ماتم کنید.²⁹ زیرا اینک، ایامی می‌آید که در آنها خواهند گفت: خوشبحال نازادگان و رحمهایی که بار نیاوردند و پستانهایی که شیر ندادند.³⁰ و در آن هنگام به کوه‌ها خواهند گفت که: بر ما بیفتید، و به تلها که: ما را پنهان کنید.³¹ زیرا اگر این کارها را به چوب تر کردند، به چوب خشک چه خواهد شد؟³² و دو نفر دیگر را که خطاکار بودند نیز آوردند تا ایشان را با او بکشند.

عیسی بر صلیب و مرگ او

³³ و چون به موضعی که آن را کاسه سر می‌گویند رسیدند، او را در آنجا با آن دو خطاکار، یکی بر طرف راست و دیگری بر چپ او مصلوب کردند.³⁴ عیسی گفت: ای پدر، اینها را ببامرز، زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند. پس جامه‌های او را تقسیم کردند و قرعه افکندند.

³⁵ و گروهی به تماشا ایستاده بودند، و بزرگان نیز تمسخرکنان با ایشان می‌گفتند: دیگران را نجات داد. پس اگر او مسیح و برگزیده خدا می‌باشد خود را برهاند.³⁶ و سپاهیان نیز او را استهزا می‌کردند و آمده،

²⁶ وَلَمَّا مَضَوْا بِهِ أُمَسَكُوا سِمْعَانَ، رَجُلًا قَيْرَوَانِيًّا كَانَ آتِيًّا مِنَ الْخَفْلِ، وَوَضَعُوا عَلَيْهِ الصَّلِيبَ لِيَحْمِلَهُ خَلْفَ يَسُوعَ. وَبَعَثَهُ جُمُهورٌ كَثِيرٌ مِنَ الشَّعْبِ، وَالنِّسَاءِ اللَّوَاتِي كُنَّ يَلْطَمُنَ أَيْضًا وَبِخَنَ عَلَيْهِ. ²⁷ فَاتَّقَتْ إِلَيْهِنَّ يَسُوعُ وَقَالَ: يَا بَنَاتِ أُورُشَلِيمَ، لَا تَبْكِينَ عَلَيَّ بَلْ ابْكِينَ عَلَى أَنْفُسِكُنَّ وَعَلَى أَوْلَادِكُنَّ. ²⁸ لَأَنَّ هَذَا أَيَّامَ تَأْتِي يَقُولُونَ فِيهَا: طوبَى لِلْعَوَاقِرِ وَالْبُطُونِ الَّتِي لَمْ تِلِدْ وَالثَدْيِ الَّتِي لَمْ تُرْضِعْ. ²⁹ حِينَئِذٍ يَبْتَذِنُونَ يَقُولُونَ لِلْجِبَالِ: اسْقُطِي عَلَيْنَا، وَلِلْكَامِ: عَطِينَا. ³⁰ لَأَنَّ إِنْ كَانُوا بِالْعُودِ الرُّطْبِ يَفْعَلُونَ هَذَا فَمَاذَا يَكُونُ بِالْيَاسِ. ³¹ وَجَاءُوا أَيْضًا يَنْشِينِ آخَرِينَ مُذَبِّبِينَ لِيُقْتَلَ مَعَهُ.

صلب یسوع

³³ وَلَمَّا مَضَوْا بِهِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُدْعَى جُمُوعَةً صَلْبُوهُ هُنَاكَ مَعَ الْمُذَبِّبِينَ، وَاحِدًا عَنْ يَمِينِهِ وَالْآخَرَ عَنْ يَسَارِهِ. ³⁴ فَقَالَ يَسُوعُ: يَا أَبَتَاهُ، اغْفِرْ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ مَاذَا يَفْعَلُونَ. وَإِذِ افْتَسَمُوا نِيَابَهُ افْتَرَعُوا عَلَيْهِا. ³⁵ وَكَانَ الشَّعْبُ وَاقِفِينَ يَنْظُرُونَ، وَالرُّؤُسَاءُ أَيْضًا مَعَهُمْ يَسْخَرُونَ بِهِ قَائِلِينَ: خَلِّصَ آخَرِينَ، فَلْيُخَلِّصْ نَفْسَهُ إِنْ كَانَ هُوَ الْمَسِيحُ مُخْتَارَ اللَّهِ. ³⁶ وَالْجُنْدُ أَيْضًا اسْتَهْزَؤُوا بِهِ وَهُمْ يَأْتُونَ وَيَقْدُمُونَ لَهُ خَلًّا قَائِلِينَ: إِنْ كُنْتَ مَلِكُ الْيَهُودِ فَخَلِّصْ نَفْسَكَ! ³⁷ وَكَانَ غُصَّانٌ مَكْتُوبٌ فَوْقَهُ بِأَحْزَفِ يُونَانِيَّةٍ وَرُومَانِيَّةٍ وَعِزْرَانِيَّةٍ: هَذَا هُوَ مَلِكُ الْيَهُودِ. ³⁸ وَكَانَ وَاحِدٌ مِنَ الْمُذَبِّبِينَ الْمُعَلَّقِينَ يُجَدِّفُ عَلَيْهِ قَائِلًا: إِنْ كُنْتَ أَنْتَ الْمَسِيحُ، فَخَلِّصْ نَفْسَكَ وَإِيَّانَا. ³⁹ فَجَابَ الْآخَرُ وَانْتَهَرَهُ قَائِلًا: أَوَلَا أَنْتَ تَخَافُ اللَّهَ إِذْ أَنْتَ تَحْتُ هَذَا الْحُكْمَ بِعَيْنِهِ. ⁴⁰ أَمَّا تَحْنُ فَيَعْدِلُ لَأَنَّا تَنَالُ اسْتِخْقَاقَ مَا فَعَلْنَا، وَأَمَّا هَذَا فَلَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا لَيْسَ فِي مَحَلِّهِ. ⁴¹ ثُمَّ قَالَ لِيَسُوعَ: اذْكُرْنِي، يَا رَبُّ، مَتَى جُنْتُ فِي مَلَكُوتِكَ. ⁴² فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: الْحَقُّ أَقُولُ لَكَ: إِنَّكَ الْيَوْمَ تَكُونُ مَعِي فِي الْوَرْدُوسِ.

موت یسوع

⁴⁴ وَكَانَ نَحْوُ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ، فَكَانَتْ ظِلْمَةٌ عَلَى الْأَرْضِ كُلَّهَا إِلَى السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ. ⁴⁵ وَأَظْلَمَتِ الشَّمْسُ وَانْشَقَّ جَبَابُ الْهَيْكَلِ مِنْ وَسْطِهِ. ⁴⁶ وَوَادَى يَسُوعُ يَصُوتَ عَظِيمَ وَقَالَ: يَا أَبَتَاهُ، فِي يَدَيْكَ أَسْتَوِدِعُ رُوحِي. وَلَمَّا قَالَ هَذَا أَسْلَمَ الرُّوحَ. ⁴⁷ فَلَمَّا رَأَى قَائِدُ الْمِئَةِ مَا كَانَ مَجَّدَ اللَّهَ قَائِلًا: بِالْحَقِيقَةِ كَانَ هَذَا الْإِنْسَانُ بَارًّا. ⁴⁸ وَكُلُّ الْجُمُوعِ الَّذِينَ كَانُوا مُجْتَمِعِينَ لِهَذَا الْمُنْظَرِ لَمَّا أَبْصَرُوا

مَا كَانَ رَجَعُوا وَهُمْ يَقْرَعُونَ صُدُورَهُمْ. ⁴⁹ وَكَانَ جَمِيعٌ مَّعَارِفِهِ وَنِسَاءُ كُنَّ قَدْ تَبِعْنَهُ مِنَ الْجَلِيلِ وَاقِفِينَ مِنْ بَعِيدٍ يَنْظُرُونَ ذَلِكَ.

دفن یسوع

⁵⁰ وَإِذَا رَجُلٌ اسْمُهُ يُوسُفُ، وَكَانَ مُشِيرًا وَرَجُلًا صَالِحًا بَارًّا، ⁵¹ هَذَا لَمْ يَكُنْ مُوَافِقًا لِرَأْيِهِمْ وَعَمَلِهِمْ، وَهُوَ مِنَ الزَّامَةِ مَدِينَةٍ لِلْيَهُودِ، وَكَانَ هُوَ أَيْضًا يَنْتَظِرُ مَلَكُوتَ اللَّهِ، ⁵² هَذَا تَقَدَّمَ إِلَى بِيلاطُسَ وَطَلَبَ جَسَدَ يَسُوعَ. ⁵³ وَأَتَرَلَهُ وَلَقَّهٗ يَكْتَانٍ وَوَضَعَهُ فِي قَبْرِ مَنْحُوتٍ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ وَضَعَ قَطْ. ⁵⁴ وَكَانَ يَوْمُ الْإِسْتِعْدَادِ وَالسَّبْتُ بُلُوحٌ. ⁵⁵ وَتَبِعْنَهُ نِسَاءُ كُنَّ قَدْ أَتَيْنَ مَعَهُ مِنَ الْجَلِيلِ وَتَطَرَّنَ الْقَبْرَ وَكَيْفَ وَضَعَ جَسَدَهُ. ⁵⁶ فَارْجَعْنَ وَأَعَدَدْنَ خُوطًا وَأَطْيَابًا، وَفِي السَّبْتِ اسْتَرْخَنَ حَسَبَ الْوَصِيَّةِ.

او را سرکه می‌دادند، ³⁷ و می‌گفتند: اگر تو پادشاه یهود هستی خود را نجات ده. ³⁸ و بر سر او تقصیرنامه‌ای نوشتند به خط یونانی و رومی و عبرانی که: این است پادشاه یهود. ³⁹ و یکی از آن دو خطاکار مصلوب بر وی کفر گفت که: اگر تو مسیح هستی خود را و ما را برهان. ⁴⁰ اما آن دیگری جواب داده، او را نهیب کرد و گفت: مگر تو از خدا نمی‌ترسی؟ چونکه تو نیز زیر همین حکمی. ⁴¹ و اما ما به انصاف، چونکه جزای اعمال خود را یافته‌ایم، لیکن این شخص هیچکار بیجا نکرده است. ⁴² پس به عیسی گفت: ای خداوند، مرا به یاد آور هنگامی که به ملکوت خود آیی. ⁴³ عیسی به وی گفت: هرآینه به تو می‌گویم: امروز با من در فردوس خواهی بود.

⁴⁴ و تخمیناً از ساعت ششم تا ساعت نهم، ظلمت تمام روی زمین را فرو گرفت. ⁴⁵ و خورشید تاریک گشت و پرده قدس از میان بشکافت. ⁴⁶ و عیسی به آواز بلند صدا زده، گفت: ای پدر، به دستهای تو روح خود را می‌سپارم. این را بگفت و جان را تسلیم نمود. ⁴⁷ اما یوزباشی چون این ماجرا را دید، خدا را تمجید کرده، گفت: در حقیقت، این مرد صالح بود. ⁴⁸ و تمامی گروه که برای این تماشا جمع شده بودند چون این وقایع را دیدند، سینه زنان برگشتند. ⁴⁹ و جمیع آشنایان او از دور ایستاده بودند، با زنانی که از جلیل او را متابعت کرده بودند تا این امور را ببینند.

دفن عیسی

⁵⁰ و اینک، یوسف نامی از اهل شورا که مرد نیکو و صالح بود، ⁵¹ که در رأی و عمل ایشان مشارکت نداشت و از اهل رامه، بلدی از بلاد یهود بود و انتظار ملکوت خدا را می‌کشید، ⁵² نزدیک پیلطس آمده، جسد عیسی را طلب نمود. ⁵³ پس آن را پایین آورده، در کتان پیچید و در قبری که از سنگ تراشیده بود و هیچ‌کس ابداً در آن دفن نشده بود سپرد. ⁵⁴ و آن روز تهیه بود و سبّت نزدیک می‌شد. ⁵⁵ و زنانی که در عقب او از جلیل آمده بودند، از پی او رفتند و قبر و چگونگی گذاشته شدن بدن او را دیدند. ⁵⁶ پس برگشته، حنوط و عطریّات مهیا ساختند و روز سبّت را به حسب حکم آرام گرفتند.